

آموزش هنر خواندن و نوشتن

ع - ص - خیاط

تیر ماه ۱۳۹۴

پیشگفتار

می توان زبان پارسی را با ساختار بیش از هزار ساله اش، به هر بی سواد در مدت پانزده روز آموزش داد.

اگر در سالهای اخیر بی سواد، افت تحصیلی، بازگشت بی سواد، افزایش یافته است هیچ پیوندی با ساختار نخستین زبان پارسی ندارد. پایه و اساس این مشکل در برداشت نادرست از روش آموزش خواندن و نوشتن است که در پنج سال گذشته به کمک یاوران نکوکردار در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان "پاسگاه نعمت آباد" و سایر مراکز هم پیمان از سر راه برداشته شده است.

روش آموزش این شیوه پیشکش تمامی عزیزانی که ترانه ای بر لب و دلی افسرده در حصار بی سواد دارند.

ع-ص-خیاط

تیر ماه ۱۳۹۴

کلید واژه:

نشانه = الفبا = ب، پ، ت، س...

آوا = صدا = آ، ا، ای، او...

گروه دوم نشانه ها = ظ، ص، ع، ق، ح...

۱- مبانی آموزش:

- ۱- خوانش و نوشتار به زبان مادری مهارت نام دارد.
- ۲- آموختن هنر خواندن و نوشتن مانند تمام هنرها اکتسابی است.
- ۳- آموزش با کمیت، کیفیت، سن، دایره واژگان شنیداری زبان مادری هنرجو هم آهنگ می شود.
- ۴- برای افراد بیش از ده سال آموختن خوانش مقدم بر نوشتار است.
- ۵- این نوشته بر اساس لوح خوانش تیر ماه ۱۳۹۴ و سه کتاب (بیست و هفتمین نگارش، تیر ماه ۱۳۹۴) نوشته ، صفحه بندی و منتشر شده است.

۲- تعیین سطح هنر جویان.

- کسانی که توانایی خواندن و نوشتن ندارند به سه گروه تقسیم می شوند:
- گروه یک- هنرآموزان بیش از شش سال و نیم با بهره هوشی بیش از هفتاد.
 - گروه دو- هنرآموزان بیش از هفت سال با بهره هوشی بیش از هفتاد.
 - گروه سه- هنرآموزان بیش از ده سال تا... با بهره هوشی بیش از هفتاد.

۳- مدت زمان آموزش.

- آمار آموزش هنر خواندن و نوشتن به بیش از ۸۳۰۰ نفر در چهار سال گذشته نشان داده است که:
- در گروه سنی یک و دو : با بهره هوشی هفتاد، خوانش و نوشتار را در ۱۲۰ جلسه (دو ماه) آموخته اند.
 - در گروه سنی سه : با بهره هوشی بیش از ۷۰ در سی جلسه (پانزده روز) می توانند مبانی خوانش و نوشتار را تا سطح سوم دبستان در این مدت به خوبی بیاموزند.

۴- واژگان آموزشی در گروه های سه گانه.

تعداد واژگان هر دوره آموزشی:

- گروه یک - لوح خوانش و کتاب اول؛ برای کودکان بیش از شش و نیم سال، شامل ۱۸۰۰ واژه.
- گروه دو - لوح خوانش، کتاب اول و کتاب دوم برای افراد کمتر از ده سال شامل ۳۶۰۰ واژه.
- گروه سه - لوح خوانش، کتاب اول، کتاب دوم و کتاب سوم برای آموزش افراد بیش از ده سال، شامل ۷۲۰۰ واژه.

۵- آموزش لوح خوانش*.

در آغاز لوح خوانش، ۲۲ نشانه ی زبان پارسی آموزش داده می شود.**

ب- پ- ت- ج- چ- خ- د- ر- ز- ژ- س- ش- غ- ف- ک- گ- ل- م- ن- و- ه- ی.

نشانه ها برای هنرجویان بلند تلفظ و تکرار شود.***

این عمل به علت تشخیص قدرت شنوایی و قدرت ادای مخرج نشانه ها انجام می شود. برخی از زبانهای رایج در ایران فاقد مخرج هایی مانند پ، ف، ژ، خ، ه، غ ... هستند.

۶- ادای نشانه ها:

نخست هر یک از نشانه ها به تنهایی خوانش می شود و از هنرجو خواسته می شود آن را تکرار کند.

چنانچه هنرجویی نتوانست یکی یا چند تا از نشانه ها را ادا کند، به روش کر و لال ها به او آموزش داد می شود. با این تفاوت که کر و لال ها چون شنوایی ندارند، از طریق شمع و آینه عمل صورت می گیرد، اما هنرجویی که مشکل شنیداری و گفتاری ندارند، از طریق بازدم و کف دست این کار انجام می شود.

* براساس فرهنگ لغات دبستانی، تالیف گیتی شاکری، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

** همه ی نشانه های زبان پارسی با آوا (!) ادا می شوند.

*** در آغاز آموزش هنر خوانش یک «ز»، یک «س»، یک «غ»، یک «ت» و یک «ه» را به هنرجویان آموزش می دهیم. مبنای آموزش براین است که ابتدا آن دسته از واژگان و آواهایی را که بسامد بیش تری دارند، آموزش داده شود. در زبان پارسی چهار «ز- ذ- ض- ظ» داریم که هر همه با یک مخرج ادا می شوند؛ در حالی که در زبان عربی هر کدام از «ز- ذ- ض- ظ» ها دارای مخرج ویژه ای هستند که شنونده می داند مخرج ادا شده مربوط به کدام یک از نشانه ها است. در این مرحله استثناءها(نشانه هایی که در زبان پارسی دارای یک مخرج هستند) آموزش داده نمی شود؛ مانند: ز؛ ذ؛ ظ؛ چرا که هر کودک ده ساله حدود ۴۰۰۰ واژه در حافظه ی شنیداری خود دارد که از این تعداد ۳۹۶۳ واژه با «ز» نوشته می شود و تنها ۳۷ واژه با «ذ- ض- ظ» نوشته می شود.

اگر هنرجویی مخرج ادای «ه» را نداشت، می توانیم از طریق بازدم و کف دست «ه» را به او بدهیم؛ کافی است از او خواسته شود کف دستش را جلوی دهان خود قرار دهد و به شدت نفس خود را خارج کند و بگوید «ه». بعد از چند بار تکرار این عمل، از او پرسیده شود که نفست به کف دستت خورد یا نه؟

اگر هنرجویی مخرج ادای «ژ» را نداشت، می توان از طریق ماشین بازی* «ژ» را به او داد و یا می توان از او خواست که دندان های خود را روی هم قرار داده واژه «ژ» را که آوایش خشیمانی است تمرین کند.

۷- نشانه و کد نشانه:

آموزش هنر خوانش نشانه و آوا در پنج مرحله انجام می شود:

یک : نشان دادن و معرفی نشانه و ادایشانه (تلفظ) با صدای بلند.

دو : تکرار نشانه از سوی تمام هنرجویان.

سه : تعریف یک داستان با انجام کُد نشانه برای نشانه ی مورد نظر از سوی آموزگار.

چهار: اجرای نمایشی کد نشانه و ادای مخرج آن با صدای بلند از سوی آموزگار.

پنج : اجرای حرکت نمایشی کد نشانه همراه با گفتار نشانه.

۸- لوح خوانش نشانه ، آوا، ترکیب نشانه و آوا.

صفحه ۴ لوح

«ب»

ب: آموزگار «ب» را نشان می دهد و با صدای بلند چند بار تکرار می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان کد نشانه «ب»:

اون چیه که دونه هاش ریزه ، سفیده، مامانا می ریزن تو دیگ، یا قابلمه. می جوشون بعد که جوشید اونو آبکش می کنن بعد میذارن دم بکشه؟ وقتی آماده شد یه خورشت خوشمزه هم درست می کنن میان سر سفره. بعد هر کی بشقابشو میده مامان. مامانم با کفگیر از اون سفیده می ریزه تو بشقابش، یک ملاقه هم از اون خورشت خوشمزه می ریزه روی اون

*در ماشین بازی ، یک نفر راننده است. به عنوان مثال آموزگار راننده می شود و هنرجویان پشت سر او به صف می ایستند. راننده حرکت می کند. فرمان را مانند راننده ها به چپ و راست می چرخاند . مانند تابلوهای ماشین که سرپیچ، صدا در می آورد، غیژ... غیژ... غیژ و هنرجویان هم این کلمه را تکرار می کنند. در پایان از هنرجویی که توانایی ادای مخرج «ژ» را نداشته، خواسته می شود که کلماتی را که «ژ» دارند بیان کند. مانند: ژیل-ژل-ژاین-ژاکت و ... به این ترتیب «ژ» را به هنرجو می دهیم و او دیگر می تواند «ژ» را ادا کند.

پلو ها. بعد هر کی قاشقشو برمی داره (از این جای داستان، آموزگار با یک دست به عنوان قاشق و دست دیگر بعنوان بشقاب، پانتومیم غذا خوردن را بازی می کند)

بعد میگین خانم یا مامان: دستت درد نکنه، عجب پلوخورشت خوشمزه ای درست کردی!

حالا شما به من بگین پلو با چی درست می شه؟

هنرجویان: با برنج.

آموزگار: وقتی دهنو باز می کنم تا بگم برنج، ب--رنج اولش چی حرفی بگوش شما می رسه؟

هنرجویان: ب

آموزگار: ب مثل چی؟

هنرجویان بلند جواب می دهند: برنج

کد نشانه: در زمان این پرسش و پاسخ کد نشانه ی حرکتی یا نمایش خوردن برنج باید از سوی آموزگار و هنرجویان اجرا شود. یعنی همه یک دست به عنوان قاشق و دست دیگر به عنوان بشقاب به کار گرفته شود و حرکت نمادین قاشق را از بشقاب تا دهان انجام دهند.

آموزگار باید آنگونه داستان را تعریف کند که در عین جذاب بودن، ذهن هنرجویان به سمت رسیدن به برنج هدایت شود.

در این مرحله هدف یاد دهی یا خوانش برنج نیست، بلکه هدف آموزش نشانه «ب» است.

صفحه ۶ لوح

« پ »

آموزگار «پ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند.

تعریف داستان:

آموزگار می تواند این گونه تعریف می کند:

اون کیه که توی خونه از همه بزرگتره؟ ریش داره، بعضی وقتا ریششو با تیغ می زنه! بعضی وقتا بد اخلاقه! بچه هم که می ره مدرسه می پرسن: اسمت چیه؟... اسم مادرت چیه؟... اسم... اسم پ... اسم پد... (آموزگار راهنمایی می کند)

هنرجویان: پدر

آموزگار: پدر اولش چیه؟

: هنرجویان: پ

آموزگار «پ» را نشان می دهد و می پرسد: پس این چیه؟

: هنرجویان می گویند: پ

آموزگار می پرسد: پ مثل چی؟

: هنرجویان بلند جواب می دهند: پ مثل پدر.

جدا از داستانی که برای هر نشانه گفته می شود، یک نماد حرکتی نمایشی نیز باید انجام داده شود که به آن کد نشانه می گوئیم و این کد نشانه تا پایان آموزش نشانه ها هر بار تکرار می شود.

کد نشانه: برای نشانه ی «پ» در هنگام تعریف داستان باید آموزگار دست خود را به صورت خود بکشد به طوری که انگار ریش داشته باشد و بخواد روی ریش خود دست بکشد (پ مثل پدر است) هنرجویان نیز باید این کار را انجام دهند.

صفحه ۸ لوح

« ت »

آموزگار «ت» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

بازی تلفن: برای نشانه «ت» داستان، بازی تلفن است.

آموزگار دستش را به جیبش می برد ، انگار که تلفنش زنگ می خورد. بعد دستش را شبیه گوشی تلفن می گیرد و می گوید:

« سلام. نگفتم سر کلاسم زنگ نزن، تلفن نکن؟ دیگه تلفن نکنی ها! خداحافظ». از هنرجویان می پرسد: من با چی صحبت کردم؟

: هنرجویان: تلفن

آموزگار: تلفن اولشش چییه؟

: هنرجویان: ت

آموزگار دوباره «ت» را نشان می دهد و می پرسد: این چییه؟

: هنرجویان: ت

آموزگار: ت مثل؟

:هنرجویان بلند جواب می دهند: ت مثل تلفن

کد نشانه: هم زمان با آموزگار، هنرجویان نیز باید با دست خود یک تلفن درست کنند و روی گوششان قرار دهند و با تلفن های خود با همدیگر صحبت کنند.

(از آن ها می خواهیم با مادر، پدر و دوستان خود صحبت کنند.)

صفحه ۱۰ لوح

« ج »

آموزگار «ج» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.
تعریف داستان:

اون چیه که وقتی گوسفند رو می کشن، شکمشو پاره می کنن، یه چیز سیاهیه که اونو در میارن تمیزش می کنن می شورنش بعد با چاقو کوچک کوچکش می کنن بعد یه آتیش درست می کنن، اونارو به سیخ می کشن می ذارن رو آتیش بادشون می زنن. در بعضی از این مغازه هام دیدی؟ نوشته دل و قلوه و ج... جگ... جگ...

هنرجویان: جگر

آموزگار: آدم ها هم جگر دارند؟

هنرجویان جواب می دهند بله یا خیر.

آموزگار ادامه می دهد هر موجود زنده ای که خون داشته باشه، حتماً جگر هم داره. شما هم دارید، ما همه جگر داریم، جگر شما کجاست؟

هر کسی جایی از بدن خود را نشان می دهد. ممکن است بعضی ها شکم یا پهلوی راستشان را نشان دهند.

آموزگار با دست چپ به پهلوی چپ خود اشاره می کند و می گوید: بچه ها! جگر ما این جا است. شما هم نشان دهید. همگی پهلوی چپ خود را نشان می دهند.

آموزگار: جگر اولش چیه؟

هنرجویان: ج

آموزگار «ج» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

هنرجویان: ج

آموزگار: ج مثل چی؟

هنرجویان: ج مثل جگر.

کد نشانه: برای این نشانه، کد نشانه را باید با دست چپ به پهلوی چپ اشاره کرد و هنرجویان نیز همه باید انجام دهند.

صفحه ۱۲ لوح

« چ »

چ: آموزگار «چ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند..
تعریف داستان:

آموزگار با انگشت به چشم خود اشاره می کند: این چیه؟

: چشم

: چشم اولش چیه؟

: چ

: آموزگار «چ» را نشان می دهد: این چیه؟

: چ

چ مثل چی؟

: چ مثل چشم.

کد نشانه: آموزگار با انگشت به چشم خود اشاره می کند و هنرجویان نیز باید این کار را انجام دهند.

صفحه ۱ لوح « خ »

خ: آموزگار «خ» را نشان می دهد و بلند تکرار می کنند.

تعریف داستان:

کدام حیوونه که شکم بزرگی داره، پوزه ی درازی داره! ناخن های بلندی داره، روی دو تا پاهاش می تونه وایسته و چون ناخن های خیلی بلند و تیزی داره می تونه از درخت بره بالا، تو این فیلمای کارتونی دیدید؟ از درخت می ره بالا که عسل بخوره؟ چون عسل رو خیلی دوست داره، حیوون زرنگیه ولی توی کارتون ها یک کم خنگ، نفهم، نشونش میدن. پرخوره ولی حیوون زرنگیه، خیلی با هوشه! اون کدوم حیوونه؟ خ... خ... خ...

: خرس

: به نظر شما چرا بچه خرسه ناخناش بلنده؟ چرا مامان خرسه ناخنای بچه خرسه رو نمی گیره؟

: پاسخ هایی ... یا نمی دونیم.

: چون مامان خرسه ناخن گیر نداره! ها ها ها (آموزگار می خندد و هنرجویان را خنده می گیرد).

آموزگار ادامه می دهد:

اگه به مامان خرسه ناخن گیر بدیم، ناخنای بچه خرسه رو می گیره؟ (هر کس جوابی می دهد)

آموزگار: نه! نمی گیره! می دونید چرا؟ هنرجویان ...

آموزگار: چون بچه خرسه به ناخناش احتیاج داره، مامان خرسه می دونه که بچه خرسه ناخناشو احتیاج داره. می دونه که وقتی گشنش می شه می خواد با ناخناش از درخت بره بالا عسل بخوره، یا وقتی کسی اذیتش می کنه با ناخناش از خودش دفاع کنه.

کد نشانه: آموزگار دست خود را به صورت چنگال درست می کند که گویی در حال بالا رفتن از درخت است یا حیوان را پاره می کند (به نماد چنگ انداختن به چیزی) : خرس اولش چیه؟

خ :

خ مثل چی؟

خ مثل خرس.

داستان ها باید بنا به تناسب سنی شنوندگان چنان باز گو شوند که با یک بار شنیدن در حافظه ی میان مدت شونده ماندگاری پیدا کند. البته شیوه ی تعریف برای بزرگسالان و کودکان متفاوت است؛ برای کودکان داستان ها طولانی تر و با جذابیت بیش تری تعریف می شود و برای بزرگسالان از طول داستان کاسته شده و به سرعت آموزش، افزوده می شود.

صفحه ۱۶ لوح « د »

در پارسی دارای دو معنی است؛ یکی دل به عنوان قلب و دیگری دل به عنوان شکم. در این جا دل به عنوان شکم مد نظر است. البته در مناطقی که دل به عنوان قلب محسوب شود، و شکم نام دیگری دارد می توانیم نشانه ها را بومی سازی کنیم*.

د: آموزگار «د» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان: آموزگار دستش را روی شکم می گذارد؛ گویی که دل درد دارد

: آخ... آخ... ببین! تقصیر تو بود! تو گفتی ناهار زیاد بخور، منم خوردم. خیلی درد می کنه! آخ... آخ... آموزگار هم چنان که بازی دل درد انجام می دهد*. بگید ببینم من کجام درد می کنه؟

دل :

دل اولش چیه؟

د :

د مثل چی؟

د مثل دل.

کد نشانه: آموزگار دستش را روی شکم خود می گذارد ، گویی دل درد دارد.**

صفحه ۱۸ لوح « ر »

* برای مثال، در بلوچستان دل به عنوان قلب است و شکم نام دیگری دارد.

** یادآوری: در این قسمت هدف توجه هنرجویان به نوشته ی دل- برنج- پدیر یا... نیست. بلکه هدف یادگیری شکل نشانه ها، بیان آن و انجام عملی کد نشانه است تا روند یاد گیری در پیوند با نا خودآگاه انعکاس عضلانی به مهارت خوانش تبدیل شود.

آموزگار «ر» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند.

تعریف داستان:

اون چیه که وقتی گندم رو آرد می کنن با آب قاطی می کنن بعد خمیر درست می کنن، بعد پهنش می کنن، بعد می برنش. بعد اونو تو آفتاب می زارن تا خشک بشه. بعد که خشک می شد؟ تازه هنوز هم نمی شه خوردش، اما بعضی از بچه هام که یواشکی انو خوردن دل درد شدن، اونم چه دل دردی. اما وقتی

با هاش آش درست می کنن عجب خوشمزه می شه. اون آش اسمش چی یه؟ آش رش... اولشم ر... آش...؟

: رشته

تشویق... و ادامه...

امروزه اگه مادری بخواد آش رشته درست کنه ، داد می زنه(مریم، علی... اسم یکی از بچه های کلاس) برو یک بسته چی بخر؟

: رشته بخر*!

: رشته اولش چیه؟

: ر

آموزگار «ر» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: هنرجویان جواب می دهند: ر

آموزگار: ر مثل؟

: هنرجویان بلند جواب می دهند: رشته

کد نشانه: برای انجام کد نشانه دو دست خود را به اندازه ی دو وجب فاصله از هم نگه می داریم و به طوری که انگار دو سر یک نخ را گرفته باشیم، دستمان را حرکت می دهیم. آموزگار و هنرجویان باید این کار را انجام دهند.

صفحه ۲۰ لوح

«ز»

ز: آموزگار «ز» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

* در خراسان بزرگ و افغانستان به رشته آش نامیده می شود. در پارسی دری آش؛ شوربا نامیده می شود و در برخی مناطق ایران مانند بلوچستان، رشته را نمی شناسند. برای این که «ر» مثل رشته را یاد بدهیم، یک بسته رشته سر کلاس می بریم تا هنرجویان از نزدیک لمس و مزه کنند. بعنوان مشوق آموزشی قول دادیم هر وقت همه دانش آموزان خواندن و نوشتن را آموختند برایشان آش رشته می پزیم .

تعریف داستان:

اگر پلیس بشنوه یکی کتک کاری کرده؛ دزدی کرده؛ یکی روکشته؛ اونو دستبند می زنن کجا می برن که اولش ز داره؟ (آموزگار دو دستش را روی هم قرار می دهد).

زندان:

زندان اولش چیه؟

ز:

آموزگار «ز» را نشان می دهد.

این چیه؟

ز:

ز، مثل؟

زندان:

کد نشانه: آموزگار دو دستش را روی هم قرار می دهد و هنرجویان هم این کار را انجام می دهند.

صفحه ۲۲ نوح

«ژ»

ژ: آموزگار «ژ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

* توجه: اگر هنرجویی مخرج «ژ» را نداشت، به روش ماشین بازی کودکانه، با قرار دادن دندان ها روی هم، باز شدن لبها همانند کسی که می خندد می توان مخرج «ژ» را آموزش داد.

تعریف داستان:

آموزگار دستش را می کشد روی سرش یا به موهایش دست می کشد:

اون چیه که اولش «ژ» است. بعضی ها برای خوشگل شدن به موهایشون می زنن. موهایشون

کج می شه؟ راست می شه؟ سیخ سیخی می شه، مدل روز می شه؟

ژل:

ژل اولش چیه؟

ژ:

: آموزگار «ژ» را نشان می دهد: این چیه؟

: ژ

: ژ مثل چی؟

: ژ مثل ژل.

کد نشانه: آموزگار روی سر یا موهایش دست می کشد و هنرجویان هم این کار را انجام می دهند و تکرار می کنند ژ مثل ژل.

صفحه ۲۴ نوح

«س»

آموزگار «س» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار انگشتش را می برد بالای سرش و به آسمان اشاره می کند:

اون چی هستن که وقتی شب به آسمان نگاه می کنی می بینی اون بالا یه چیزی داره چشمک می زنه، خاموش روشن می شه، اول اسمش «س» است. س... س...

: ستاره

: ستاره اولش چیه؟

: س

: آموزگار «س» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: س

: س مثل؟

: ستاره

کد نشانه: با انگشت به آسمان اشاره می شود و هنرجویان باید این کار را انجام دهند.

صفحه ۲۶ نوح

«ش»

ش: آموزگار «ش» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار پنج انگشت های خود را به هنرجویان نشان می دهد و می پرسد این چندتااست؟ هنرجویان می شمارند و می گویند پنج تا. یک انگشت از دست دیگرش را هم به آن ها اضافه می کند و دوباره می پرسد: حالا شد چند تا؟

شش تا.

شش اولش چی یه؟

ش

آموزگار «ش» را نشان می دهد و می پرسد: پس این چی یه؟

ش

ش مثل؟

شش

کد نشانه: آموزگار و همه ی هنرجویان باید شش تا از انگشت های خود را باز کرده و نشان دهند.

صفحه ۲۸ لوح

«غ»

آموزگار «غ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار انگشت های دستش را حرکت می دهد و می گوید:

اون کدوم واژه(کلمه) است که با «غ» شروع می شود و وقتی انگشتامونو تکان میدیم و می بریم سمت بچه ها، بچه ها بی اختیار شروع می کنه به خندیدن. یا وقتی می بریم زیر بغل خودمون، می خندیم؟ (آموزگار انجام می دهد و می خندد.)

غلغلک :

غلغلک اولش چیه؟

غ :

این چیه؟

غ :

غ مثل؟

غلغلک :

کد نشانه: غلغلک دادن.

صفحه ۳۰ نوح

«ف»

ف: آموزگار «ف» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.
تعریف داستان:

اون چیه و وقتی سر سفره می شینیم می بینیم زودتر از همه ، بالای سفره پهلوی نمک نشسته. نمک سفیده ولی اون سیاهه. خیلی هم تنده. بعضی مامانا هم وقتی بچه ها زیاد حرف بزنین می گن آگه زیاد حرف نزنن از اونا میریزم توی دهنت! از اون سیاهش که کمتر تنده نمی ریزن؛ از قرمزش که خیلی تنده می ریزن. دهنو حسابی می سوزونه. اون چی یه که اولشم «ف» است!

: فلفل

: فلفل اولش چیه؟

: ف.

: آموزگار «ف» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: ف.

: ف مثل؟

: فلفل.

* در بلوچستان، «ف» ندارند.

آن دسته از هنرجویانی که مخرج ادای «ف» را ندارند (یعنی ف را پ تلفظ می کنند)، می توانند با بردن لب پایین خود به داخل دهان و بدون این که لب خود را بیرون آورند، «ف» را تکرار کنند. بدین ترتیب می توانند مخرج «ف» را ادا کنند. چون ادای نشانه «پ» تنها به لب ها بستگی دارد و «ف» با کمک دندان های بالا و لب پایین ادا می شود. هنگامی که هنرجو لب پایین را به داخل دهان ببرد و از آن استفاده نکند، دیگر نمی تواند «پ» بگوید و «ف» ادا می شود.

صفحه ۳۲ نوح

«ک»

ک: آموزگار «ک» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.
تعریف داستان:

آموزگار کتابی را که کنار دستش است، بر می دارد، بازش می کند و می پرسد این چیه؟

هنرجویان جواب می دهند: کتاب

بعد آن را کنار گذاشته، دو دست خود را مانند یک کتاب روی هم قرار می دهد، دست ها را باز و بسته می کند و می پرسد: ک مثل؟

هنرجویان جواب می دهند: کتاب (آن ها هم این کار را انجام می دهند). کتاب اولش چیه؟

ک :

: آموزگار «ک» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

ک :

: ک مثل؟

: کتاب

کد نشانه: آموزگار و هنرجویان باید علامت باز و بسته شدن کتاب را با دست نشان دهند.

صفحه ۳۴ لوح

«گ»

گ: آموزگار «گ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

اون چیه که اولش «گ» است و وقتی می ری پارک بازی کنی می بینی چمن هارو تازه آب دادن؛ یا جایی که بارون اومده و خاک و آب قاطی شده ، آگه روی اونا راه بریم، کفش و لباس و دست و صورتمون پر از چی می شه؟ که وقتی برگشتیم خونه مامان می گه کفشتو دربیار! خونه رو کثیف کردی! چرا با، گ... بازی... گ

: گل :

: گل اولش چیه؟

: گ :

: آموزگار «گ» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: گ :

: گ مثل؟

: گل :

کد نشانه: این نشانه با پا انجام می شود. پا به نشانه ی تمیز کردن گل از کفش روی زمین کشیده می شود و صدایش به گوش می رسد.

صفحه ۳۶ لوح

«ل»

آموزگار «ل» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.
تعریف داستان:

اون چیه که وقتی می خوای بری حموم دوش بگیر ی اونارو در میاری بعد که دوش گرفتی خودتو خشک می کنی و تمیزارو می پوشی؟ (آموزگار با دست لباسهای خود را می گیرد و نشان می دهد.)

لباس :

لباس اولش چیه؟

ل :

:آموزگار «ل» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

ل.ل :

: ل مثل؟

: لباس.

کد نشانه: آموزگار و هنرجویان با انگشت لباسی را می گیرند و نشان می دهند.

صفحه ۳۸ لوح

«م»

آموزگار «م» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.
تعریف داستان:

اون چیه که باهش می نویسن، چوبیه، ته شم پاک کن داره، آگه اشتباه نوشتی می تونی پاکش کنی؟

مداد:

مداد اولش چیه؟

م :

: آموزگار «م» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

.م :

: م مثل؟

.مداد :

کد نشانه: آموزگار هنگام تعریف داستان یک دست را گویی که مداد در دست داشته باشد، روی دست دیگرش که به عنوان کاغذ به کار می رود، خط خطی می کند و هنرجویان نیز باید این کار را انجام دهند.

صفحه ۰۴ نوح

« ن »

آموزگار «ن» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

اون چیه که وقتی سر خیابون ایستادیم خیلی عجله داریم، می گیم آقای راننده... آی تاکسی... آی موتوری... چی کار کن؟
آقا... ن... نکه...؟

: آقا نکه دار.

: نکه دار اولش چیه؟

: ن

: آموزگار «ن» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: ن

: ن مثل؟

: نکه دار.

کد نشانه: گویی که با عجله منتظر تاکسی هستیم و اشاره می کنیم نکه دار. آموزگار و هنرجویان باید این کار را انجام دهند.

صفحه ۰۲ نوح

« و »

و: آموزگار «و» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

وقتی توی خیابون یا محله، یا توی پارک یا آدم بزرگ یا بچه کوچک می زنه، می ریم جلو می گیم آقا این بچه رو چی کارش کن؟ تو که هم اندازه ی این نیستی. او نو، نزن، نکش، بزار بره خونشون؟ و... ول... ولش... ولش...

: ولش کن.

: ولش کن اولش چیه؟

: و.

: آموزگار «و» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: و.

: و مثل؟

: ولش کن!

کد نشانه: آموزگار دستش را طوری که به آن زورگو بگوید آن بچه را ولش کن، بگذار برود، گناه دارد و ... حرکت می دهد. هنرجویان نیز چنین می کنند.

صفحه ۴۴ لوح

« ه »

آموزگار «و» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

* چنان چه هنرجویی نتوانست «ه» را تلفظ کند، می توان به همان ترتیبی که گفته شد مخرج ادای «ه» را به او داد؛ یعنی شیوه ی بازدم و کف دست. در این روش به هنرجو می گوییم کف دستش را جلوی دهانش قرار دهد و یک مرتبه بازدم خود را به کف دست خود بتاباند و بگوید «ه». اگر بتواند بازدم خود را به کف دستش بتاباند و کف دستش گرم شود، یعنی اگر بازدم خود را در کف دست خود احساس کرد، مخرج ادای «ه» را به دست آورده است.

تعریف داستان:

اون چیه که سبزه، گرده، بزرگه؟ با یک دست نمی شه دو تاشو برداشت، توی گرمای تابستان خیلی مزه می ده. وقتی قاچش می کنی، توش قرمز تخته تخته هم داره؟ با یک دست هم نمی شه دوتا شو و داشت. اولشم با «ه» شروع می شه؟

: هندوانه!

: هندوانه اولش چیه؟

.ه :

: آموزگار «ه» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

.ه :

: ه مثل؟

: هندوانه

کد نشانه: آموزگار در هنگام تعریف داستان یک دست خود را طوری که انگار هندوانه ای در دست دارد ، به آرامی بالا و پایین می کند. هنرجویان نیز این کار را انجام می دهند.

صفحه ۴۶ لوح

« ی »

آموزگار «ی» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار دو انگشت خود را به هنرجویان نشان می دهد و می پرسد این ها چندتاست؟

هنرجویان جواب می دهند. بعد یک انگشت را نشان می دهد. حالا چند است؟

: یکی.

: یک اولش چی یه؟

: ی.

: آموزگار «ی» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

: ی

: ی مثل؟

: یک

کد نشانه: آموزگار و هنرجویان، یک را با انگشت نشان می دهند.

بعد از پایان ۲۲ نشانه، برمی گردیم به اول لوح و کد نشانه ها را دوباره تکرار می کنیم.

۹- تکرار آموزش نشانه ها و کد نشانه ها.

تکرار کد نشانه ها: در این مرحله آموزگار به هیچ عنوان نباید وقتی که «ب» را نشان می دهد بگوید این «ب» است و نباید بپرسد این چیست؛ بلکه با آوردن هر نشانه در این مرحله فقط کد نشانه را باید با دست نشان بدهد.

در این مرحله ابتدا آموزگار هر نشانه را نشان می دهد و با انجام کد نشانه، هنرجویان نشانه ی مورد نظر را بیان می کنند.

به طور مثال آموزگار «ب» را نشان می دهد و دستش را به همان شیوه که گفته شد، یعنی از یک دست به عنوان قاشق و از دست دیگر به عنوان بشقاب استفاده می کند و با قاشق برنج را از بشقاب در دهان خود می گذارد و می پرسد این چی بود؟ هنرجویان جواب می دهند: برنج. آموزگار می پرسد: برنج اولش چیه؟ هنرجویان جواب می دهند: ب.

آموزگار «ب» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

ب :

ب مثل؟

برنج :

همه ی هنرجویان باید کد نشانه را انجام دهند و نوشته کد نشانه را در صفحه بعد می بینند.

آموزگار «پ» را نشان می دهد، دستش را به صورت خود می کشد و می پرسد این چی بود؟

پدر :

پدر اولش چیه؟

پ :

آموزگار «پ» را نشان می دهد. این چیه؟

پ :

پ مثل؟

پدر :

باید دقت داشت که هنرجویان نشانه را با کد نشانه اشتباه نگیرند، یعنی به «ب» برنج نگویند یا به «پ» پدر نگویند. برای این که این اتفاق نیفتد باید هر بار وقتی که از هنرجویان می پرسیم اول برنج یا پدر چیه، وقتی جواب را دادند، انگشت خود را روی «ب» یا «پ» یا... می گذاریم و می پرسیم پس این چی بود؟ اگر هنرجویان بگویند «ب»، «پ» یا... یعنی دچار این اشتباه نشده اند. در غیر این صورت باید به آن ها تفهیم کرد که این ها (ب، پ و... ه) اول (برنج، پدر و... هندوانه) هستند.

کد نشانه ها همان حرکت ها و بازی هایی هستند که برای هر نشانه ویژه هستند و تا پایان آموزش پیوسته تکرار شده و ثابت می مانند.

۱۰- کوچک و بزرگ نشانه ها (صفحه ۴۸ لوح)

هنگامی که آموزگار می خواهد آموزش کوچک بزرگ را شروع کند، ابتدا «ب کوچک» را نشان می دهد و از هنرجو می پرسد این چیه؟ معمولا هنرجویان نمی توانند جواب دهند. چون تا به حال آن را ندیده اند. آموزگار بلافاصله «ب بزرگ» را نشان می دهد و می پرسد این چیه؟ بر فرض که هنرجویان این را هم نتوانستند بگویند، آموزگار کد نشانه ی «ب» را اجرا می کند؛ دستش را مثل این که برنج را با قاشق از بشقاب به دهان خود بگذارد، تکان می دهد. هنرجویان می گویند برنج! آموزگار می پرسد برنج اولش چیه؟ هنرجویان می گویند «ب». حالا آموزگار ب را نشان می دهد و می گوید این چیه؟ هنرجویان اگر باز هم نتوانستند بگویند، آموزگار روی نیمه نخست «ب» بزرگ را می پوشاند و می گوید این همان «ب» است که کوچک شده. بزرگ و کوچک فرقی با هم ندارند. این «ب» بزرگ است این «ب» کوچک.

آموزگار: ب مثل؟

هنرجویان: برنج.

آموزگار از یکا یک هنرجویان می خواهد که برنج را در پایین صفحه نشان بدهند.

ب که تمام شد، آموزگار «پ» کوچک را نشان می دهد و می پرسد این چیه؟ هنرجویان می گویند نمی دانیم. آموزگار بلافاصله «پ بزرگ» را نشان می دهد و می پرسد این چیه؟ بر فرض که هنرجویان این را هم نتوانستند بگویند، آموزگار کد نشانه ی «پ» را اجرا می کند؛ دستش را به صورتش می کشد. هنرجویان می گویند پدر! آموزگار می پرسد پدر اولش چیه؟ هنرجویان می گویند «پ». حالا آموزگار «پ» را نشان می دهد و می گوید این چیه؟ هنرجویان اگر باز هم نتوانستند بگویند، آموزگار نصف «پ» را می گیرد و می گوید هم این «پ» است هم این «پ». فرقی با هم ندارند. این «پ» بزرگ است این «پ» کوچک.

آموزگار می پرسد: پ مثل؟

هنرجویان جواب می دهند: پدر

آموزگار از یکی دیگر از هنرجویان می خواهد که پدر را از پایین صفحه نشان دهد.

این بخش از آموزش تا صفحه ۳۳ ادامه پیدا می کند. آموزش شناخت کوچک بزرگ «ه»، «ی»، «غ» و «ف» مشکل تر است. چون نشانه ی بزرگ با کوچک آن تغییر می کند.*

* باید این توضیح داده شود که این شکل نوشتاری «ی» بزرگ است. وقتی کوچک می شود، دو تا نقطه در زیر آن قرار می گیرد و تبدیل به «پ» می شود. «ه»

را نیز کوچک و بزرگ معرفی می کنیم. یعنی آموزگار باید توضیح دهد که این شکل بزرگ (ه) است و این ها کوچک (ه - ه - ه - ه - ه) هستند. هیچ فرقی با هم ندارند.

سپس آموزگار از یکی از هنرجویان بخواهد که تعداد «ه» در هندوانه را بشمارد و روی لوح نشان دهد.

البته این نوع شمارش را در قسمت کوچک بزرگ «غ» و «ف» نیز هنرجویان باید یاد بگیرند تا در این قسمت که هندوانه درس داده می شود بتوانند تعداد ه را شمارش کرده و نشان دهند.

صفحه ۵۶ لوح

«ا»

آموزگار «ا» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار با انگشت خود به خودش اشاره می کند و می پرسد: من انسانم! یا حیوان؟

: انسان.

شما حیوانید یا انسان؟

: انسان.

آموزگار ادامه می دهد:

ما که انسانیم حق نداریم به کسی حرف زشت بزنیم، حق نداریم دیگران رو آزار بدیم، حق نداریم همدیگرو کتک بزنیم... از مشخصات مثبت انسانی سخن به میان می آید تا انسان بالنده در ذهن هنرجو کد شود.

: انسان اولش چیه؟

: ا.

: ا مثل؟

: انسان.

کد نشانه: انگشت شست آموزگار و همه ی هنرجویان به سوی خودشان اشاره می رود.

صفحه ۵۸ لوح

«آ»

آموزگار «آ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

اون چیه که وقتی تو آسمون میاد جلوی خورشید رو می گیره و ما خورشید رو نمی بینیم، تو زمستون هم ازش برف میاد، بارون میاد؟

: ابر

: ابر اولش چیه؟

: ا.

: ا مثل چی؟

: ابر.

کد نشانه:

دست را روی سر خود تکان می دهیم مثل زمانی که آفتاب است و دست خود را بالای چشم خود نگه می داریم تا آفتاب مانع دیدن نشود. دست را به همان شکل روی سر بعنوان سایه حرکت می دهیم. هنرجویان باید انجام دهند.

صفحه ۶۰ لوح

ا
«ا»

آموزگار «ا» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار به هنرجویان می گوید، هنگام تلفظ «ا» باید دهان خود را غنچه کنند و چند بار بگویند ا. آموزگار می گوید ا مثل اُردک و چند بار تکرار می کند و هنرجویان نیز تکرار می کنند.

سپس توضیح می دهد که اُردک هم مثل مرغابی است... ولی سفید است.

: اُردک اولش چیه؟

: ا

: ا مثل؟

: اُردک

کد نشانه: هر پنج انگشت دست خود را روی هم قرار می دهیم و دست خود را مانند یک غنچه درست می کنیم، مثل غنچه ای که هنوز باز نشده است. هنرجویان هم این کار را تکرار می کنند.

صفحه ۶۲ لوح

«آ»

آموزگار «آ» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

اون چیه که وقتی تشنه می شیم، لیوان رو زیر شیرآب می گیریم، وقتی پر شد قورت قورق سر می کشیم؟

: آب.

آب اولش چیه؟

: آ.

: آ مثل؟

: آب.

کد نشانه: طوری که گویی لیوان آبی در دست است آن را بنوشیم. این بازی را انجام می دهیم و هنرجویان نیز همه باید انجام دهند. یعنی لیوان مجازی آب را سر کشند.

صفحه ۶۴ لوح

«او»

آموزگار «او» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.

تعریف داستان:

آموزگار با انگشت شست خود به پشت سر خود اشاره می کند. او دوست من است، او با سواد است، او خواهر من است، او برادر من است، او رفت و هنرجویان نیز با شست خود به پشت سرشان اشاره می کنند و همین جملات را تکرار می کنند. آموزگار می پرسد: او مثل؟

: او رفت، او با سواد است و ...

کد نشانه: با انگشت شست به پشت سر اشاره شود.

«ای»

آموزگار «ای» را نشان می دهد و بلند تلفظ می کند، هنرجویان بلند تکرار می کنند. این کار چند بار تکرار می شود.*

تعریف داستان:

آموزگار انگشت خود را رو به زمین اشاره می کند و می پرسد: این جا کجاست؟ این جا پاکستان است؟ این جا افغانستان است، آفریقا، امریکا است؟

: نه! این جا ایران.

: ایران اولش چی یه؟

: ای.

: ای مثل؟

: ایران.

این بخش بارها تکرار می شود. هر آوایی را که نشان دادیم، کد نشانه را همراه تکرار هنرجویان انجام می دهیم**.

خوانش همه ی نشانه ها در پارسی با کسره همراه است. مانند (ب، پ، ج، م، ی ...) بدین سبب **کسره** کاربرد آبرازی خود را جهت تغییر آوای نشانه ها، (به جز ی- و، که گاهی او- ای خوانده می شوند و زمانی ی- و) از دست می دهند. به این علت نشانه آوای کسره (ی-) از جدول ترکیب آواها برداشته شده است.

* در این بخش بر خلاف خواسته های مان که تلاش کرده ایم از مسائلی مثل قومیت، نژاد، رنگ، جنسیت، ایدئولوژی و طبقات به هیچ عنوان استفاده نکنیم. برای آوای «ای» ناچار بودیم از بین سه واژه ی ایراد، ایمان و ایران یکی را انتخاب کنیم. این عمل سخت را به عهده ی خود هنرجویان گذاشتیم که در نتیجه ۷% ایمان را انتخاب کردند، ۲% ایراد را ۹۰% ایران را انتخاب کردند. در نهایت به ناچار، ایران به عنوان کد نشانه ی آوای «ای» انتخاب شد. هدف آموزش آوای «ای» است، نه ایران.

** آمار آموزش بیش از هفت هزار هنر جویی که خواندن و نوشتن را با این روش آموخته اند حاکی از این است که ۹۹% افراد بیش از ده سال، با بهره هوشی بیش از ۷۰* نشانه ها، آواها و کد نشانه ها را در یک جلسه ۹۰ دقیقه ای مفید آموخته اند.

ا	آ	ا	او	ای	ا
ب +	با = بابا، بازی...	بَ = بَد، بَچَه ...	بو = بوق، بوس...	بی = بیدار، بیمار...	بُ = بُز، بُشکَه ...
پ +	پا = پاه، پارک، پارچه..	پَ = پَرَنده، پَرَواز...	پو = پول، پوست...	پی = پیر، پیشانی...	پُ = پُل، پُختَن ...
س +	سا = سار، ساختمان...	سَ = سَر، سَبَد...	سو = سوت، سوزن...	سی = سیب، سینی...	سُن = صُحبت، سُرخابی ..
ی +	یا = یاد، یادگاری...	یَ = یَخ، یَواش...	یو = یوسف، یونس...	یی = تنهایی، جدایی...	یُ = یُنجه، یُ ی ...

۱- برای ترکیب هر نشانه و آوا نمونه ای از واژگان در دسترس هنر آموز داده شود.

۲- هنر آموز هنوز استثنا را نمی داند و با نوشتار آشنا نیست. آوای شنیداری مهم است که بتواند نشانه را با آوا

ترکیب کند. بیان، بوق- باغ - صُحت .. دایره واژگان هنر آموز را نشان می دهد و باید پذیرفته شود.

۳- کار برد ترکیب نشانه ی با آوای ای در آخر واژگان پارسی استفاده می شود.

۱۳- ترکیب نشانه و آوا صفحه ۶۸ تا ۷۸ لوح

آوا نتیجه ی بازدم است . برای بیان آوا از بازدم و تارهای صوتی استفاده می شود. اگر کسی دهان خود را باز نگه دارد، می تواند تمام آواها را تنها با کمک بازدم و تارهای صوتی بیان کند. اما نشانه ها چنین نیستند؛ نشانه ها چه با کسره بیان شوند (ب، پ، ت) و چه با ضمه (بُ، پُ، تُ) و چه با هر آوای دیگری، برای بیان نیازمند لب، دندان، زبان، کام، حنجره، بینی و ... هستند. یعنی نشانه ها به خودی خود صدایی ندارند و برای بیان آن ها از ابزار تغییر صدا یعنی لب، دندان، زبان، کام، حنجره، بینی و ... باید استفاده می شود.

نخست همه ی آواها را از یکایک هنرجویان می پرسیم. یعنی کد نشانه ی هر آوا را می دهیم تا هنرجو آوا را تکرار کند.

برای مثال (آ) را نشان می دهیم. اگر نتوانستند بگویند، کد نشانه را یعنی همان حرکت نمادین نوشیدن لیوان آب را نشان می دهیم:

: آب.

: آب اولش چی بود؟

آ :

آ مثل؟

آب :

سپس تمامی آواها را هم به همین گونه یادآوری می کنیم.

۱۴- روش های آموزش ترکیب آوا با نشانه.

در ترکیب نشانه ها با آواها دو روش وجود دارد: ۱- عمودی ۲- افقی.

یک - روش عمودی.

در این روش همه ی نشانه ها را بصورت عمودی با یکایک آواها ترکیب می کنیم. یعنی از «ب» تا «ی» را با آوای (آ) ترکیب می کنیم. سپس آوهای بعدی را، یعنی «ب» تا «ی» با (ا) ... و (او)، ... (ای) ...

ترکیب نشانه (ب) با آوای (آ):

آموزگار «ب» را نشان می دهد و می پرسد این چی بود...؟ بر فرض که هنرجویان نتوانند جواب دهند؛ کد نشانه را طوری که انگار قاشق را برداشته و برنج را از بشقاب به دهانش می برد، اجرا می کند.*

هنرجویان می گویند: برنج

: برنج اولش چیه؟

ب :

*هنرجویان ضعیف تر در کلاس جلوتر از بقیه ی هنرجویان می نشینند تا بیش تر مورد پرسش قرار گیرند.

آموزگار «ب» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

ب :

آموزگار آوای «آ» را نشان می دهد و می پرسد این چیه؟

هنرجویان نمی دانند. آموزگار کد نشانه را طوری که انگار لیوان آبی را می نوشد، انجام می دهد.

آب :

آب اولش چی یه؟

آ :

: پس این چی یه؟

آ :

اگر «ب» رو بچسبونیم به «آ» می شه چی؟

همه هنرجویان نمی توانند جواب درست دهند. آموزگار کمک می کند. «با» را تکرار می کنند: با... با... با... حالا یک چیزی بگویید که اولش «با» باشد. با ... ، با ... با مثل باد. با مثل، بادبادک ، بازار، بازی ... **

ترکیب نشانه (ب) با آوای (آ):

آموزگار «پ» را نشان می دهد و می گوید این چی بود؟ بر فرض که هنرجویان نتوانند جواب دهند؛ آموزگار کد نشانه را اجرا می کند. یعنی دستش را به صورت خود می کشد.

هنرجویان می گویند: پدر

: پدر اولش چی یه؟

پ :

: آموزگار «پ» را نشان می دهد و می پرسد: این چیه؟

پ :

آموزگار آوای «آ» را نشان می دهد و می پرسد این چی یه؟

*از واژگانی که بسامد بیش تری دارند در بیان استفاده شود.

بر فرض که هنرجویان باز هم ندانند. آموزگار کد نشانه را طوری که انگار لیوان آبی را می نوشد، انجام می دهد.

: آب.

آموزگار: آب اولش چی بود؟

: آ.

آموزگار «آ» را نشان می دهد و می پرسد پس این چی بود؟

: آ.

کد نشانه ی نشانه ها و آواها را باید همیشه انجام داد و هنرجویان باید تکرار کنند، حتی اگر نشانه ها و آواها را به خوبی بشناسند.*

آموزگار می پرسد «پ» رو بچسبونیم به «آ» می شه یا. یا... پار... هنرجویان می گویند: پارک- پارچ- پایین- پارچه- پارو- پاییز و ...

ترکیب نشانه ها با (آ):

بعد از ترکیب همه ی نشانه ها (از ب تا ی) با آوای (آ)، آموزگار برمی گردد از اول تا همه ی نشانه ها را با آوای (آ) ترکیب کند.

اگر کلاس کشش این را داشت که ترکیب ها را تا آوای (ا) در یک جلسه انجام شود، این کار را انجام می دهیم. اگر نه کلاس را تا جلسه ی بعد تعطیل می کنیم.

ترکیب نشانه ی (ب) با آوای (ا):

آموزگار «ب» را نشان می دهد، هنرجویان می گویند: ب و کد نشانه را انجام می دهند.

آموزگار «ا» را نشان می دهد. اگر نتوانند پاسخ دهند، آموزگار دستش را روی سر خود حرکت می دهد.

: ابر

: ابر اولش چی بود؟

: ا، کد نشانه را انجام می دهند.

: آموزگار «ا» را نشان می دهد و می پرسد پس این چی بود؟

* راهنمایی و تشویق هنرجویان، لازمه ی کلاس های هنر خواندن و نوشتن است به خصوص در این قسمت از کار.

** در این بخش تعداد واژگان شنیداری هنرجویان ارزیابی شده و پیگیری روش آموزش مشخص می شود.

أ :

«ب» رو بچسبونیم به «أ» می شه چی؟ هنرجویان نمی دانند. آموزگار می گوید: بَ هنرجویان تکرار می کنند. بعد از چند بار تکرار «ب»، آموزگار می پرسد: بَ مثل؟ کی می تونه یه چیزی بگه که اولش بَ باشه؟ مثال ها: بچه- برف- برادر- بستنی- برق و ...

ترکیب نشانه ی (پ) با آوای (أ):

آموزگار «پ» را نشان می دهد و می پرسد این چیه؟

: پ و کد نشانه را انجام می دهند.

آموزگار «أ» را نشان می دهد و می گوید این چیه؟

: أ و کد نشانه را انجام می دهند.

: أ مثل؟

: أبر

«پ» رو بچسبونیم به «أ» می شه چی؟ پَ

هنرجویان تکرار می کنند.

: کی می تونه یه چیزی بگه که اولش «پَ» باشه؟

آموزگار راهنمایی می کند: پَ ... پَر ...

هنرجویان می گویند: پَر - پرنده - پرواز - پروانه و ...

ترکیب نشانه ی (ت) با آوای (أ):

آموزگار «ت» را نشان می دهد و می گوید این چیه؟

: ت و کد نشانه ت را انجام می دهند.

آموزگار «أ» را نشان می دهد و می گوید این چیه؟

: أ و کد نشانه را انجام می دهند.

«ت» رو بچسبونیم به «أ» می شه چی؟

: تَ

دو - روش افقی.

روش افقی پس از آموزش عمودی انجام می شود. هر نشانه با همه ی آواها ترکیب می شوند. برای مثال «ب» را با (آ)، (اَ)، (او)، (ای) و (اُ) ترکیب کرده و سپس سایر نشانه ها بازخوانی می شود.

روش آموزش تیزهوشان

بیش از ۳۵ درصد هنر جویان بی سواد بیش از ده ساله ای که خود خواسته در کلاسها شرکت کرده توانسته اند در یک جلسه (۹۵ دقیقه) نشانه، آوا و ترکیب این دو را به خوبی یاد گرفته و در دومین جلسه کتاب دریافت کنند. برای چنین افرادی اگر آموزش طبق برنامه گفته شده انجام گیرد بی شک نمی توان پاسخ گوی نیاز این گروه از هنر جویان نیست و در دومین ، سومین جلسه آموزش غایب خواهند بود. در برخورد با چنین هنرجویانی باید روش عمودی و افقی ترکیب نشانه و آوا، متناسب با یاد گیری هنرجو هم آهنگ شود. تغییر چیدمان کلاسهای آموزشی (غربالگری) برای چنین هنر آموزانی غیر قابل اجتناب است.*

* جهت آشنایی بیشتر با مبانی نظری این روش آموزشی به مقاله «هنر خواندن و نوشتن در خدمت عدالت اجتماعی» به آدرس amookayat@com مراجعه کنید.

بخش دوم هنر خواندن و نوشتن

سه کتاب

«کتاب اول»

صفحه ۹ تا ۱۸ ما-س-مو-مُ-فُ-نَ-لَ-تو- ...

نشانه آوایی! (کسره) زیر برخی از نشانه ها:

در زبان پارسی و ی گاهی آوا هستند و زمانی نشانه. هنگامی که آوا هستند (و) صدای (او) می دهد مانند: بود. گاهی صدای (و) مانند: نوشت. (ی) نیز چنین حالتی دارد، مانند: (کی-کِ)

هنرآموز نمی داند چه زمانی باید (و-ی) بخواند و چه هنگام (او-ای). به همین دلیل هنگامی که و، ی نشانه هستند در آغاز آموزش خوانش با کسره نشان داده می شود.

خوانش ترکیب نشانه و آوا پایه و اساس هنر خواندن است. اگر هنر جویی پس از پایان لوح خوانش نتوانست «مار» را بخواند، آموزگار «مار» را با انگشت می پوشاند فقط «م» را نشان می دهد:

این مثل؟ (کد نشانه مداد را نشان می دهد)

- مداد.

مداد اولش چی بود؟

- م

آموزگار م را با انگشت پوشانده «مار» و کد نشانه ا را نشان می دهد.

این چی بود؟

- آ.

م را بچسبانی به آ ... می شود!؟ ... می شود!؟..

- ما

آموزگار م را با انگشت پوشانده «مار» و کد نشانه ا را نشان می دهد.

این چی بود؟

- ر.

ر را بچسبانی به ما ... می شود!؟ ... می شود!..

- مار.

تا وقتی که تمام هنر جویان خوانش درست ترکیب آوا و نشانه را یاد نگرفته اند این بخش تکرار می شود.

یک بخشی ها:

صفحه ۱۹ تا ۳۰- یک بخشی.

خوانش یک بخشی ها مانند: آب- ابر- اسم- بام- پُست و ...

یک بخشی ها عبارتند از واژگانی که یک بار دهان باز و بسته می شود. در آغاز بهتر است یک بخشی ها به صورت عمودی خوانده شوند. نخستین واژه ابتدای هر خط؛ مانند: آب- آسم- آبر- آخ- اسم- ایل... یوغ. بار دوم آخرین کلمه ی هر خط، بار سوم همه واژگان یک بخشی از اول تا آخر به صورت افقی.

شبهه ی خوانش یک بخشی:

آموزگار ابتدا حرف اول هر کلمه را نشان می دهد تا هنرجو آن را بیان کند و سپس حروف دیگر از او می پرسد و در ابتدای خوانش تا چند کلمه ای باید هنرجویان را راهنمایی کرد تا کم کم به خوانش بیایند.

برای مثال، وقتی هنرجو می خواهد کلمه ی «آب» را بخواند، اگر نتوانست باید آموزگار ابتدا «آ» را نشان دهد تا هنرجو بیان کند. سپس «ب» را نشان دهد. وقتی هنرجو بیان کرد حالا آموزگار با گفتن حرف اول در واقع به هنرجو کمک می کند تا هر دو را با هم بیان کند. نباید خود آموزگار کلمه را برای هنرجویان بخواند.

بعد از پایان یک بخشی، یک نمونه از خطی که آموزش می دهیم آمده است که ترجیحاً نوشتار را بعد از پایان دو بخشی به هنرجویان آموزش می دهیم. ولی به همان دلیل که گفته شد می توان از پایان یک بخشی نیز شروع کرد. اما فقط از کلماتی که خوانده اند می توان به آن ها سرمشق داد.

دو بخشی ها: ص- ۳۲ تا ۴۴.

دو بخشی ها را نیز مانند یک بخشی، ابتدا به صورت عمودی می خوانیم. یعنی همان کلمه های اول هر خط را تا آخر دو بخشی می خوانیم. دوباره برمی گردیم از اول و کلمات آخر هر خط را تا آخر دو بخشی ها می خوانیم. سپس برای بار سوم کل دو بخشی ها را از اول به صورت افقی می خوانیم.

در دو بخشی ها نیز علت عمودی خواندن این است که تعداد زیادی کلمه در دو سه صفحه ی اول، فقط با اول «آ»، «ا» و «أ» داریم که در یک یا دو یا چند جلسه ممکن است نتوانیم با همه ی نشانه ها و آواها کلمه بخوانیم. به همین دلیل در این جا نیز کلمات ابتدا به صورت عمودی خوانده می شود تا هنرجویان بتوانند در یک جلسه یا دو جلسه با همه ی نشانه ها و آواها کلمه بخوانند و این باعث می شود که نشانه ها و آواها را فراموش نکنند و خوانش را فرا بگیرند.

علت دیگر عمودی خواندن این است که هنوز ما می خواهیم خوانش را به هنرجویان یاد بدهیم یعنی می خواهیم هنر خواندن را به حافظه ی دراز مدت هنرجو منتقل کنیم تا دیگر فراموش نشود. برای همین عمودی می خوانیم تا در یک جلسه هنرجویان با همه ی نشانه ها و آواها کلمه بخوانند که یادشان نرود.

روش خوانش دو بخشی:

ابتدا آموزگار بخش دوم هر کلمه را با انگشت می‌گیرد تا هنرجو بخش اول را بخواند، بعد آموزگار بخش دوم را رها می‌کند تا هنرجو بخش دوم را بخواند. حالا آموزگار کمکش می‌کند تا هر دو بخش را با هم بخواند.

مثال: آباد؛ ابتدا آموزگار انگشتش را روی باد می‌گذارد، هنرجو «آ» را می‌خواند. بعد آموزگار انگشتش را برمی‌دارد تا هنرجو «باد» را بخواند. اگر نتوانست، آموزگار کمکش می‌کند. آموزگار می‌گوید اولش چیه؟ هنرجو می‌گوید «ب» آموزگار می‌گوید «ب» با چی؟ هنرجو می‌گوید «آ». آموزگار می‌پرسد «ب» با «آ» چی می‌شه؟ هنرجو می‌گوید «با». آموزگار می‌گوید آخرش چیه؟ هنرجو می‌گوید «د». آموزگار می‌پرسد «با» با «د» چی می‌شه؟ هنرجو می‌گوید باد.

حالا آموزگار خودش بخش اول یعنی «آ» را کشیده تلفظ می‌کند تا هنرجو کل کلمه را بتواند بخواند. با ادامه ی این کار خیلی زود هنرجویان خودشان به خوانش می‌آیند و می‌توانند کلمات دو بخشی را خودشان بخوانند.

در این جا آموزگار به هنرجویان نمی‌گوید کدام کلمات یک بخشی هستند و کدام کلمات دو بخشی، بلکه خود هنرجویان در قسمت وسط دو بخشی‌ها یا در قسمت سه بخشی‌ها بخش کردن را یاد می‌گیرند و می‌توانند به راحتی بخش کنند. بخش کردن فقط با انگشت باید انجام شود.

نوشتار: ص ۳۰

در آموزش نوشتار هدف خوانا و تمیز نوشتن با خط تحریری است:

۱: روی خط: آب- باد- تاب- پاک- دست ... آرام، کشیده، بدون زاویه نوشته شود.

۲: وسط خط: «م- ل» مانند بام- فال- جام- شال- دام- خال.

۳: زیر خط: نیم دایره نان - داس - ش - ص - ق - ل که بشکل نیم دایره در زیر خط نوشته می‌شوند.

۴: خ- ج- چ- غ ... که نوشتارش مانند لاتین از چپ شروع شده وزاویه(گوشه) دار هستند.

۵: ی- بی مانند: شادی- بخاری- تماشایی...

۶: ج- چ- خ و غ که مانند حروف لاتین از چپ نوشته می‌شوند و گوشه دار هستند.

۷: عدد نویسی ۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

۸: برای بزرگسالان صفحه ۶۸ سه کتاب.

همراه با عدد نویسی، شمارش با انگشت از ۱ تا ۱۰۰ و سپس از ۱۰۰ تا ۱ آموزش داده می‌شود.

صفحه ۴۸ - واژگانی از کتاب اول دبستان.

در این قسمت ترکیبی از کلمات دو بخشی، سه بخشی، چهار بخشی و ... آورده شده است که به همراه آن نوشتن نیز شروع می‌شود.

روش خواندن واژگان این قسمت:

بعد از پایان دو بخشی دیگر تفاوتی ندارد که کلمات را عمودی بخوانیم یا افقی. چون در قسمت دو بخشی هنرجویان خوانش را خوب فرا گرفته است.

در این قسمت کلمه ای مانند آزاده را داریم. آموزگار ابتدا بخش اول را به هنرجو نشان می دهد و دو بخش دیگر آن را نگه می دارد. سپس بخش دوم و سوم را به ترتیب نشان می دهد تا هنرجو بخش بخش آن را بخواند. در پایان از هنرجو می خواهد که کل کلمه را بخواند. وقتی هنرجو کلمه را خواند حالا آموزگار از او می خواهد آن را بخش کند. آموزگار به هنرجو می گوید آزاده را با انگشت هایش بخش کند. از او می پرسد چند بار دهانت باز و بسته می شود؟ به این ترتیب هنرجو به راحتی بخش کردن را فرا می گیرد و چون با انگشت می شمارد حتی کلمات ۶ یا ۷ بخشی را نیز به راحتی بخش می کند و تعداد بخش های آن را می تواند بگوید.

صفحه ۴۸ سه کتاب

در این صفحه آخرین بخش گروه اول یعنی دیکته ی گروه اول از کتاب اول را داریم که باید هنرجویان بتوانند آن را دیکته بنویسند.

گروه دوم نشانه ها

استثناءهای کتاب اول: ص ۴۹ تا ۵۲

گروه دوم یعنی بخش استثناءها در هر بخش از سه کتاب یعنی کتاب اول، کتاب دوم و کتاب سوم داریم که نسبت به سن و کلاس هنرجویان به تعداد واژگان آن افزوده می شود.

شیوه ی کار:

(ذ-ض-ظ):

آموزگار ابتدا «ز» پارسی را به هنرجویان نشان می دهد و می پرسد این چیه؟

هنرجویان جواب می دهند: ز

سپس آموزگار «ذ» را نشان می دهد می گوید این هم مثل همونه، هیچ فرقی نداره.

بعد «ض» را و بعد «ظ» را نشان می دهد و می گوید این ها همه «ز» هستند، هیچ فرقی با هم ندارند.

منظور ما از این که می گوییم هیچ فرقی با هم ندارند، این است که در زبان پارسی همه با یک مخرج «ز» بیان می شوند. ولی در زبان عربی هر یک مخرج خاص خود را دارند و در پارسی فقط شکل نوشتاری آن ها فرق می کند. حال آموزگار از هنرجویان می خواهد که مثال های آورده شده از هر کدام از (ذ-ض-ظ) را بخوانند.

(ص-ث):

آموزگار «س» را نشان می دهد و از هنرجویان می پرسد این چیه؟

هنرجویان جواب می دهند: س

آموزگار به ترتیب «ص» و «ث» را نشان می دهد و می گوید این ها هم «س» هستند، هیچ فرقی با هم ندارند. حال آموزگار از هنرجویان می خواهد تا کلمات آورده شد با هر یک از (ص-ث) را بخوانند.

(ق-ط-ح):

این نشانه ها نیز به همین روش به هنرجویان آموزش داده می شود.

ع:

«ع» از همه مشکل تر است.

در این جا «ع» را برابر با (ا) می دانیم، آموزگار (ا) را از هنرجویان می پرسد و به آن ها می گوید این «ع» هم مثل «ا» است. هیچ فرقی با هم ندارند.

حال از آن ها می خواهد کلمات (انسان- علم) را بخوانند.

سپس آموزگار شکل های دیگر «ع» را به هنرجویان آموزش می دهد:

ع=آ مثل: آب- عادل

ع=أ مثل: آبر- علی

ع=أ مثل: اُردک- عُرْضه

خو=خا:

آموزگار به هنرجویان می گوید:

این «خا» را بخوانند. سپس به آن ها می گوید این «خو» هم مثل همان است، هیچ فرقی با هم ندارند. سپس از آن ها می خواهد کلمات زیر را بخوانند:

خواب- خواستن- خواهر و ...

تشدید:

آموزگار به هنرجویان توضیح می دهد که وقتی تشدید روی حرفی باشد، آن حرف دو بار تکرار شده است که به جای یک حرف آن، تشدید گذاشته می شود. مثل: بچ چه که وقتی سر هم می نویسند بچّه، به جای این که «چ» را دو بار بنویسند، روی «چ» تشدید می گذارند.

در گذشته، تشدید گذاشته می شد، دیگر در نوشتار تشدید کم تر به کار می رود ولی در خوانش باید به همان فرم تشدید دار تلفظ شود. مثلاً «بنا» را نمی توان «بنا» خواند.

صفحه ۵۳ تا ۵۵:

خوانش جمله

در این صفحه (اکنون با هم می خوانیم) برای کلاس اول را داریم که هنرجویان بزرگسال آن را به راحتی می خوانند. در این جملات تمام کلمات آوا گذاری شده اند. چون هنرجویان هنوز نمی دانند «من» را «مَن» بخوانند یا «مین».

دیکته ی گروه دوم ص- ۵۶ تا ۵۷:

در این صفحه همان کلمات استثناء را که هنرجویان خوانده اند در جمله آورده ایم تا بخوانند و حفظ کنند که بتوانند دیکته بنویسند.

در زبان پارسی واژگان بسیار از زبان عربی وارد شده است. گاه این نوع واژگان با یک نوع تلفظ و دو نوع نوشتار، معانی مختلف و متضاد هم پیدا می کنند. مانند: غریب و قریب- عَلم و اَلم- حیات و حیاط - خوار و خار...، به همین دلیل فراگیری درست نویسی (دیکته) بسیار مشکل و گاه غیرممکن است. بنابراین آموزگاران باید تلاش کنید درست نویسی را آموزش دهند. یعنی نگذارند «خواندن» اشتباه نوشته شود و ماهیچه های دست با درست نویسی هماهنگ شود.

خوانش کتاب اول ص- ۵۸ تا ۶۴.

«کتاب دوم»

دوم و سوم دبستان (بیش از ۸ سال)

در این کتاب نیز همانند کتاب اول، ابتدا گروه اول و سپس گروه دوم استثناءها آموزش داده می شود. تعداد واژگان به نسبت سن و کلاس هنرجویان افزایش یافته است.

خوانش کتاب دوم ص ۸۳ تا ۹۱.

خوانش جمله: داستان و شعر برای دوم و سوم دبستان

در کتاب دوم دیکته فقط در جمله گرفته می شود.

«کتاب سوم»

(بیش از ده ساله)

در این کتاب، بقیه ی استثناءها اضافه شده است.

۱: خوا = خا

۲: خوی = خی

۳: ی = آ؛ در برخی از اسم ها مانند کبری، موسی، مصطفی و ... به کار می رود.

۴: همزه

۵: تنوین

تنها بخش نوشتار آن باقی می ماند که احتیاج به تمرین بیش تری دارد.

واژگان گروه دوم (بیش از ده سال)

در این بخش تمام استثناءهای کتاب برای خوانش است.

خوانش و دیکته ی کتاب سوم نیز تنها در جمله و متن گرفته می شود، صفحه ۱۰۲ تا ۱۰۶

جدول ۳۳

در جدول ۳۳ از واژگانی استفاده شده است که کم تر در حافظه ی شنیداری هنرجویان وجود دارد و تنها به مسئله ی خوانش توجه شده است. چنان چه هنرجویی بتواند این جدول را درست بخواند، یعنی هنر خوانش پارسی را فرا گرفته است.

بخش پایانی سه کتاب (ص ۱۷۵ تا ۱۷۹) شامل واژه نامه ی جدول ۳۳ است.

از صفحه ی ۱۰۴ خوانش داستان و شعر شروع می شود که بخشی برای زیر ۱۸ سال و از صفحه ی ۱۶۲ ویژه خوانش و تمرین نوشتار بیش از ۱۸ سال است. پیروز و خندان و سلامت باشید.

ع-ص-خیاط

تیرماه ۱۳۹۴